Biannual Journal of Currents in Contemporary Iranian Poetry and Fiction

Volume 2, number 3, Autumn/winter 2023-2024

The Application of Objects in the Poetry of Social Symbolism: A Comparative Study of the Long Poem "Khanevade-ye Sarbaz" by Nima Yushij and the Poem "High Windows" by Philip Larkin

Zahra Lashgari[1]

Abstract

In contemporary symbolist poetry, considering objects as symbols is an effective tool for interpretation. In Social symbolism, a literary school tied to the name of Nima Yushij in Iran, the interpretability of the symbol has been used to the fullest. Poems have been composed by Nima Yushij with new concepts and with tangible, thought-provoking, and expansive objects, which can be interpreted by any reader through social, cultural, and political concepts. Among European poets, Philip Larkin is also noted as a poet who understood the adversaries of ordinary people; he is considered one of the first 20th-century European poets in whose work social and political concepts were introduced, under the inspiration of the symbolic poems of Mallarmé and Baudelaire. In this paper, which has been written using an analytical-descriptive method, the social symbols in Nima's " Khanevade-ye Sarbaz " and Larkin's "High Windows" are examined so that the poets' mental interpretations may be perceived and expanded into broader concepts. In the end, the conclusion has been reached that the symbols employed in the two works, "Khanevade-ye Sarbaz " and " High Windows," are aligned; however, Nima's poetry is found to have been composed in a manner more tangible and closer to the suffering of the people than the poetry of Larkin.

Keywords: Objects, Social Symbolism, Nima Yushij, Philip Larkin, High Windows, Khanevade-ye Sarbaz.

[1] Ph.D student of Persian Language and Literature, Payam Noor University, Dubai, UAE.
zahralashgari18@gmail.com

پژوهشنامه جریان‌شناسی شعر و داستان ادبیات معاصر ایران

دوره دوم، شماره ۳، پاییز و زمستان ۱۴۰۲، صص ۱۵۴-۱۶۷

کاربست اشیاء در شعر سمبولیسم اجتماعی، بررسی تطبیقی منظومه بلند «خانواده سرباز» نیما یوشیج و منظومه «پنجره مرتفع» از فیلیپ لارکین

زهرا لشگری[۱]

چکیده

اشیاء به عنوان نماد در شعر نمادگرایانه امروزی علاوه بر نشان دادن نگرش و تفکر شاعر، ابزاری کارآمد برای تأویل و تعبیر هر خواننده‌ای محسوب می‌شود. سمبولیسم اجتماعی که در ایران بانام نیما یوشیج گره‌خورده است، نیز به‌عنوان یک مکتب ادبی توانسته از این تأویل‌پذیری نماد بیشترین بهره را ببرد. نیما یوشیج با مفاهیمی تازه و اشیاء ملموس و قابل‌تأمل و گسترده اشعاری را سروده است که برای هر خواننده می‌تواندبا مفاهیمی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی قابل برداشت باشد. از سویی درمیان شاعران اروپایی فیلیپ لارکین نیز شاعری بود که با رنج مردم رنج می‌کشید و جزء اولین شاعران اروپایی قرن بیستم است که در شعرخود با الهام از اشعار نمادین مالارمه و بودلر، مفاهیم اجتماعی و سیاسی را وارد شعر خود کرد. هدف این مقاله که به روش تحلیلی و توصیفی نوشته شده بررسی نمادهای اجتماعی در شعر «خانواده سرباز» نیما و «پنجره مرتفع» لارکین است تا از این طریق تعابیر ذهنی شاعر را دریافت کرده و به مفاهیم گسترده‌تری بسط دهد و در پایان به این نتیجه رسیده است که نمادهای به کاررفته در دو اثر «خانواده سرباز» و «پنجره مرتفع» در یک راستا قرار دارند، اما شعر نیما ملموس‌تر و با رنج مردم نزدیکتر از شعر لارکین سروده شده است.

کلید واژگان: اشیاء، سمبولیسم اجتماعی، نیما یوشیج، فیلیپ لارکین، پنجره مرتفع، خانواده سرباز.

[۱] دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، واحد دبی، امارات. zahralashgari18@gmail.com

۱. مقدمه

شعر نمادینِ اجتماعی شعری است که به‌عنوان یک ژانر اجتماعی و فرهنگی در میان شاعران و نویسندگان به‌عنوان ژانر منحصربه‌فرد و محبوبی تلقی می‌شود. نقد سمبولیسمی شعر نقدی کاربردی است که تکیه آن بر دایره واژگان، مفهوم و محتوای کلی، تصویرسازی، برانگیختن احساسات و مباحث اخلاقی و سیاسی است. فیلیپ لارکین ازجمله شاعران و نویسندگان قرن بیستم است که بیشتر اشعارش برگرفته از درک و دریافت فلسفی و التزام به مسائل اجتماعی شکل‌گرفته است. وی با الگوبرداری از توماس الیوت[۳] و اودن[۴] رمان‌های متعددی نوشته که بعدها برای هرکدام یک مانیفست جدید خلق کرد، اما با انتقاد بسیاری از نویسندگان هم‌دوره خود این مکتب خود را ادامه نداد. بعدازآن اولین رمان خود به نام جیل[۵] را به چاپ رساند و بعد از رمان «دختری در زمستان» را منتشر کرد که با استقبال زیادی از سمت مخاطبان مواجه شد. اما بعدازآن مهاجرت به بلفاست زندگی شاعرانه وی آغاز گردید. اولین مجموعه اشعارش در سال ۱۹۵۳ منتشر شد و این مقدمه‌ای شد تا منظومه موفق «پنجره مرتفع» را در سال ۱۹۷۴ به چاپ برساند. شعر لارکین محتوایی عامیانه، روان، کمی کنایه‌آمیز و ارتباط عمیقی با تجربیات شخصی وی دارد. درواقع او در شعر نمادین خود از شاعری به نام ییتس[۶] شاعر ایرلندی نمادگرا و برنده جایزه نوبل ۱۹۲۳ الهام گرفته است. محتوای شعر لارکین شامل مفاهیم مرگ، تقدیرگرایی، شکایت از زمانه، احساس هویت ملی و افکار ایده آل گرایانه است. علی اسفندیاری مشهور به نیما یوشیج نیز از شاعران نمادگرا و پدر شعر نوی ایران است. نیما نیز همانند لارکین از شاعران نوگرایی بود که سعی داشت در شعر خود از نارضایتی‌ها و شکست‌ها بگوید. او نیز در شعر خود از تجربیات شخصی خود، ولی با خیال‌پردازی و تصویرسازی عمیق‌تر به مسائل اجتماعی و فرهنگی زمان خود پرداخته است. درزمانی که جریان سمبولیسم اجتماعی در شعر ایران رواج پیدا کرد، نیما ازجمله شاعرانی بود که بیشترین تأثیر را از این جریان گرفت. نیما به دلیل آشنایی با زبان فرانسه و انگلیسی بیشتر از شاعران هم‌دوره خود به این مکتب گرایش پیدا کرد. منظومه «خانواده سرباز» منظومه‌ای است که در چهارچوب یک شکوائیه نوشته‌شده و به‌صورت کاملاً فراداستانی و با الهام از وقایع اجتماعی جامعه سروده شده است. باید گفت بعد از انتشار اشعار نیما ادبیات ایران شکل نوینی به خود گرفت.

۱-۱. بیان مسأله

جریان سمبولیسم اجتماعی در جهان درزمانی شکل گرفت که شاعران و نویسندگان در مکتب رمانتیسیسم و رئالیسم به اوج خود رسیده بودند و لازم بود که در این بحبوحه جریانی شکل بگیرد که بتواند مسائل اجتماعی و سیاسی جهان را در خود منعکس کند. «پیشوایان شعر سمبولیست پل ورلن، اسکار وایلد، آرتور رمبو، استفان مالارمه و موریس مترلینگ و در آخر بودلر است که او را آغازگر مکتب سمبولیسم می‌دانند» (شمیسا،۱۴۰۱:۱۲۲). «در مورد گسترش سمبولیسم ناب مهم‌ترین شخصیت‌ها استفان مالارمه و دنباله‌رو خودخواسته او پل والری بودند. مالارمه عامل راهگشایی‌های مهم در آغاز کار است. والری که در نقطه درهم‌آمیزی سمبولیسم و مدرنیسم ایستاده است، کورسوها و بارقه‌ها را به اصولی کاملاً برنامه‌ریزی شده تبدیل می‌کند» (هارلند،۱۳۹۳:۱۷۴). فیلیپ لارکین ازجمله شاعران قرن بیستم بود که در شعر خود با تکیه‌بر تجربیات خود از مسائل سیاسی بریتانیا و تجربیات شخصی خود اشعاری را در این مکتب سروده است. اشیاء در شعر معاصر در قلمرو مفاهیمی قرار می‌گیرند که در حلقه‌ای از اتصال مفاهیم می‌توانند به مفاهیم نمادین تبدیل شوند. طیف وسیعی از اشیاء و اعمالی که به عنوان نماد ذکر می‌شوند نشان می‌دهد که این چیزها به خودی خود اهمیت اولیه ندارند و کلید درک کیفیت نمادین آنها در شرایط خاص نهفته استکه به آن اشاره می‌کنند یا بخشی از آن هستند. «این ماهیت خاص آنها نیست، بلکه روابط آن‌هاست که دلیل انتخاب آنها به عنوان نماد است. در عین حال، نمی‌توان به طور کامل شخصیت یکشی را که به عنوان نماد استفاده می‌شود، نادیده گرفت؛ زیرا طبقات خاصی از اشیاء تمایل دارند در انواع خاصی از رابطه با موقعیت‌های داده

[3] T.S. Eliot
[4] W. H. Auden
[5] Jill
6 W.B. Yeats

شده بایستند» (Firth,2011:25). این شاید به‌ویژه زمانی اتفاق بیفتد که شیء دارای مقداری خودمختاری، آزادی عمل خاص خود در نظر گرفته شود، و بنابراین می‌توان ویژگی‌های ذاتی را که برای یک موقعیت مناسب تلقی می‌شود، نسبت داد. بنابراین، بخشی از اصطلاح رایج شعر مدرن، اشیاء هستند که می‌توانند به راحتی به نماد تبدیل شوند. ازآنجاکه هم لارکین و هم نیما یوشیج از این مکتب تأثیر گرفته و آثاری در این مقوله دارند و به‌خصوص لارکین نیز مانند نیما علاوه بر اشعار خود در قالب نامه‌هایی به خانواده‌اش به شکایت از جریانات فرهنگی و سیاسی پرداخته است، لذا پژوهنده به دلیل این اشتراک و همانندی‌هایی که در هر دو شاعر دیده، به‌ویژه محتوای منظومه «خانواده سرباز» و «پنجره مرتفع» که هردو در تجربیات و دل‌تنگی‌های شاعر سروده شده است؛ قصد دارد تا با عناصر مشترکی مانند فردیت شاعر، مؤلفه عینی و آبژکتیو شاعر، شکایت از جنگ، بینوایی خانواده سربازها، بی‌پولی و فقر و رنج و اندوه و هم‌چنین استفاده از نمادهایی به‌صورت اشیاء که در میان دو منظومه «خانواده سرباز» و «پنجره مرتفع» در اشعار دیده می‌شود، این عناصر را استخراج کرده و به تحلیل دیدگاهی هردو شاعران بپردازد.

۱-۲. فرضیه پژوهش

پژوهنده معتقد است که در شعر هر دو شاعر عناصر تجربی برگرفته از مسائل فرهنگی و اجتماعی و اشیاء ساده و قابل لمس، بیشتر از عناصر طبیعت در متن دیده می‌شود و هر دو متن دارای مؤلفه‌های یک شعر سمبولیسم اجتماعی هستند. اما شعر نیما از نظر گستره معنایی واژگان نسبت به شعر لارکین قابل تأویل و ملموس‌تر است.

۱-۳. روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله بر اساس بررسی متون اصلی و زبان‌اصلی و به شیوه تحلیلی- توصیفی نوشته‌شده و تمامی ادله برای اثبات مؤلفه‌های یکسان در شعر هر دو شاعر برپایه اسناد کتابخانه‌ای جمع‌آوری‌شده است.

۱-٤. پیشینه پژوهش

نمادگرایی اجتماعی، یک جنبش ادبی و فرهنگی بود که با گروهی از شاعران فرانسوی در اواخر قرن نوزدهم سرچشمه گرفت، و در نقاشی و تئاتر گسترش یافت و ادبیات اروپایی و آمریکایی قرن بیستم را به درجات مختلفی تحت تأثیر قرارداد. هنرمندان نمادگرا به دنبال بیان تجربیات عاطفی فردی از طریق استفاده ظریف و پیشنهادی از زبان بسیار نمادین بودند. اولین بار در سال ۱۸۹۰ با جنبش‌های کارگری در کشور فرانسه مفاهیم اجتماعی شکل اعتراضی به خود گرفتند. این اعتراضات مقدمه‌ای شد تا نویسندگان و شاعران با الهام از حرکات و اعتراضات مردمی مفاهیم تازه‌ای را در شعر خود بگنجانند. پیشینه سمبولیسم اجتماعی در جامعه توده‌ای را باید از دو منظر تحلیل کرد: یکی پیدایش، توسعه و تثبیت نمادهای خاص و دیگری تأثیر کلی، دگرگونی‌های مفهومی و غیر رسمی‌سازی آن‌ها. هنگامی‌که رفتار نمادین صرفاً در علوم غیرسیاسی تحلیل شد؛ شرایط، ابعاد مهم در متون دیگر منعکس گردید. یکی از اولین مقالاتی که در جهان در باب جریان سمبولیسم اجتماعی نوشته شد «تاریخ نمادها به‌عنوان تاریخ اجتماعی؟ ده یادداشت اولیه در مورد سیستم‌های تصویری و نشانه‌ای اجتماعی در جنبش‌های آلمان» نوشته گاتفرید کارف۷ (۱۹۹۳) است که در آن مسائل اعتراضی و جنبش‌های کشور فرانسه و آلمان را بررسی کرده است. مقاله دیگری با عنوان «سمبولیسم؛ آغاز شعر مدرن» نوشته النا گاژیو پدرسون۸ (۲۰۱۴)، وجود داردکه نویسنده در آن شعر نمادین را سرآغاز شعر مدرن دانسته و به توصیف زبان شعر نمادین پرداخته است. مقاله‌ای با عنوان «نمادگرایی در شعر» از ام تیومان۹ (۲۰۰۵) نیز وجود دارد که درباره مفاهیم نمادین جدید مانند مادر، جادوگر و نمادهای ویژه و ابداعی شاعر می‌پردازد. در ایران نیز مقالات زیادی درباره سمبولیسم اجتماعی در اشعار شاعران معاصر و تطبیق شعرآنها با یکدیگر نوشته‌شده

[7] GOTTFRIED KORFF
[8] Elena Gagiu Pedersen
[9] Z. Mtumane

است. یکی از مقالاتی که در باب سمبولیسم اجتماعی در شعر معاصر ایران نوشته‌شده مقاله «جریان سمبولیسم اجتماعی در شعر معاصر ایران» نوشته شمیسا (۱۳۸۰) است که نویسنده در آن معتقد است که جامعه‌گرایی و نمادگرایی ویژگی اصلی این جریان شعری است. مقاله «بررسی سمبولیسم اجتماعی در سروده‌های دهه سی مهدی اخوان ثالث با تکیه‌بر کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲» نوشته پارسا و مرادی (۱۳۹۳) که نویسندگان انعکاس پیامدهای کودتای ۲۸ مرداد را در شعر اخوان بررسی کرده‌اند. مقاله بعدی با عنوان «مقایسهٔ سمبولیسم اجتماعی در سروده‌های نیما یوشیج و مهدی اخوان ثالث پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲» نوشته مرادی و پارسا (۱۳۹۶) است که به این نتیجه رسیده‌اند که رویکرد نیما به سمبولیسم، تحت تأثیر سمبولیسم اروپایی و باهدف تعالی کیفیت و ارتقای جنبهٔ هنری شعر بوده است؛ به‌عبارت‌دیگر، نیما از دو جنبهٔ شاخص سمبولیسم اجتماعی بیشتر به جنبهٔ نمادین و رمزگرایی آن توجّه دارد، درحالی‌که اخوان به هر دو جنبهٔ تعهّد اجتماعی و نمادگرایی توجّه دارد. مقاله بعدی با عنوان «بازتاب سبک سمبولیسم اجتماعی سیاسی در شعر شاعران دهه چهل و تندیس‌ها و نمادهای خانه مشروطه تبریز» نوشته مرتضی زاده و همکاران (۱۴۰۱) است که نویسندگان به واکاوی سروده‌های نیما، شاملو، اخوان، فرخزاد و شفیعی کدکنی پرداخته است و نتیجه گرفته است که سمبولیسم اجتماعی بازتاب گسترده‌ای در سروده‌های این گروه از شاعران یافته و اشعار اجتماعی – اعتراضی شاعران مذکور، در بیداری جامعه‌ی غفلت زده ایران، نقشی برجسته داشته است. از سوی دیگر در آثار هنری، این دوره چون خانه‌ها نیز کاربست سبک سمبولیسم رواج داشته است.

۲. بحث و بررسی

۲-۱. مبانی نظری

سمبولیسم اجتماعی مکتبی بود که در اوایل قرن بیستم به‌عنوان یک مکتب برگرفته از مفاهیم اجتماعی و بارنگ و بارقه شعریت و ادبیت در جهان رواج یافت. «سمبولیسم یعنی استفاده از تصاویر عینی برای بیان ایده‌ها و احساسات انتزاعی» (Chadwick,2017:17). هدف این شعر ارتقای بینش فکری و ادراک اجتماعی و فرهنگی در میان شاعران بود. این به معنای آن است که بعد از مکتب رمانتیسیسم در جهان که بابیان احساسات و عواطف گره‌خورده بود اینک زمان آن بود که بعد از همه‌گیری مکتب رئالیسم و تولید مفاهیم واقعی و عینی در جهان، محتوای شعر به مسائلی بپردازد که بیشتر با تجربه‌های عینی و مفاهیم اجتماعی و فرهنگی نزدیک باشد. بیداری اجتماعی عنصر لاینفک این نوع شعر محسوب می‌شود. لذا «نمادگرایی تلاشی است برای نفوذ به فراسوی واقعیت به دنیایی از ایده‌ها، یا ایده‌های درون شاعر، ازجمله عواطف او، یا ایده‌هایی به معنای افلاطونی که یک جهان فراطبیعی کامل را تشکیل می‌دهند که انسان به آن میل دارد»(Ibid: 23) . نیما یوشیج از اولین شاعرانی بود که با توجه به مسائل سیاسی و فرهنگی در اواخر دوره قاجار و شروع پهلوی به مسائلی پرداخت که شاعران قبل از او به آن توجهی نداشتند. «ادبیاتی که باسیاست مربوط نبوده، در هیچ زمان وجود نداشته و دروغ است» (یوشیج ۱۹۰). یکی از مؤلفه‌های شعر سمبولیسم اجتماعی وجود نگرش اعتراضی به مسائل روز جامعه بود. یعنی شاعر واقعی را شاعری می‌دانستند که شعر او از درد مشترک میان مردم، فقر، گرسنگی، رنج و مصیبت‌های سیاست غلط خالی نباشد. این نوع گفتمان در شعر اعتراضی با تلفیق با ادبیات شعری تبدیل به جریانی گشت که بسیاری از شاعران را به پیروی از شعر نیما وا داشت. «ادبیات اعتراض، ادبیاتی پویا، آرمان‌گرا و مدافع ارزش‌های والا و راستین انسانی است، ادبیاتی که نابرابری را برنمی‌تابد و هرگز نمی‌تواند از کنار تفاوت‌های ناروا، بی‌تفاوت بگذرد، حتی اگر این بی‌تفاوت بودن و برنتابیدن نارواییها، جز از راه جان‌فشانی‌ها و ازخودگذشتگی‌ها، مقدور نباشد» (سلطانی فرگی،12). نیما با اشعار خود مفاهیمی مانند عدالت اجتماعی را به چالش می‌کشد. مسائلی که ازنظر شاعر تبدیل به گره‌هایی کور در زندگی بشریت می‌شوند. درواقع نمادگرایی اجتماعی را می‌توان به‌عنوان هنر بیان ایده‌ها و احساسات، نه از طریق توصیف مستقیم آن‌ها، و نه با تعریف آن‌ها از طریق مقایسه آشکار با تصاویر عینی، بلکه با نشان دادن چیستی این ایده‌ها و احساسات، با بازآفرینی درد و رنج اجتماع در ذهن افراد تعریف کرد.

۲-۱-۱. زبان نمادین در شعر سمبولیسم اجتماعی

زبان شعر در این‌گونه ادبی به‌صورت مفاهیمی مبهم، پیچیده و تأویل پرداز است. یعنی هر واژه‌ای که در یک شعر با محتوای سمبولیسم اجتماعی دیده می‌شود قابل تأویل به مفاهیم گسترده‌ای است که در اجتماع و فرهنگ یک جامعه تبدیل به دغدغه گشته است. «زبان شعر زبانی است دقیق» (براهنی، ۷۰۷:۱۳۸۰). شعر سمبولیسم اجتماعی نگرش واقع‌بینانه به جامعه و سیاست دارد. واژه‌هایی که در این مکتب می‌گنجند بیشتر شامل مفاهیمی مثل دردها و آلام شاعر، عناصر طبیعت، اساطیر، تاریخ و حوادث تاریخی است.

۲-۱-۲. موسیقی و آهنگ در شعر سمبولیسم اجتماعی

بیشتر اشعار در این زمینه از یک موسیقی درونی و آهنگین تبعیت می‌کنند «سمبولیست تلاش می‌کند با آهنگ شعر خود حالت خاصی را در خواننده بیدار کند»(Chadwick,2017: 91) . موسیقی یکی از ابزار تأثیرگذار در شعر مدرن است؛ زیرا خواننده با تلفیق مفهوم و ریتم خوانش آن مجموعه از یک اثر هنری را می‌بیند که به درک و دریافت او کمک می‌کند.

۲-۱-۳. هاله‌های واژگانی و چندمعنایی در شعر سمبولیسم اجتماعی

عبارات و واژگان در شعر اجتماعی دلالت به راین دارند که «همبستگی عینی» و حال و هوای مرتبط با آن نباید آشکارا و واضح آشکار شود، بلکه باید صرفاً به آن اشاره کرد. این درواقع نکته‌ای است باید به آن توجه کرد که نام بردن یک شیء به معنای حذف بخش عمده لذت حاصل از یک شعر نیست، بلکه این لذت در فرآیند مکاشفه تدریجی شعر شکل می‌گیرد. «اشیاء فقط شیء نیستند بلکه نمادهایی از شکل‌هایی آرمانی‌اند که در پس آن‌ها پنهان‌شده‌اند» (Ibid:17). درواقع «نمادپردازی در کار هنرمند نمادگرا نقطه شروع حرکت است برای گذار از واقعیت به‌جانب جهان آرمانی» (فتوحی،۱۶۲:۱۳۹۳). نماد معنای مشخصی در مفهوم شاعرانه ندارد؛ بلکه نشانه‌ای از احساسات و عواطف شاعر است که حاصل تجربیات وی در نظر گرفته می‌شود.

۲-۱-٤. گنگی ذاتی و اتحاد تجربه و تصویر

شاعر نمادین با کاربرد الفاظ و نشانه‌های معنادار هر واژه‌ای را در معنای خاصی قرار می‌دهد که با تجربیات و حقایق درونی یک اثر به کار می‌رود. «علت عمده ابهام نماد ادبی محتوای پنهان و ناشناخته‌ای است که آن را ذاتاً گنگ و مبهم می‌کند» (همان ۱۶۴). نماد همواره یک نتیجه از تجربه مؤلف است تا از بستر آن به سمت تصویرسازی بکری برود که ذهن مخاطب را به درنگ در مورد مفهوم آن وادار سازد. «تصویر نمادین دوسویه دارد: صورت و ایده. صورت تنها امر ملموس و شناخته‌شده نماد است که محتوا چنان در آن پنهان‌شده که در بافت سخت نمی‌توان آن را از صورت جدا کرد» (همان:۱۶۵).

۲-۲. یافته‌ها

منظومه بلند «خانواده سرباز» منظومه‌ای در قالب شعر نو و با محتوایی سراسر رنج زنی است که همسرش به جنگ رفته و زن در فقر مطلق در کنار گهواره نوزادش از رنج‌هایش می‌گوید. در این منظومه نمادهای فراوانی ازجمله شب، صبح، ستاره، خورشید، شمع، دریچه، گهواره، دریا و چشم وجود دارد. از طرفی منظومه «پنجره مرتفع» لارکین نیز مجموعه‌ای از اشعاری است که نمادهای مشابهی در بطن خود داردکه به‌مانند نیما از درد و رنج زمانه، سیاست‌های غلط یک حاکم، غم پایان‌ناپذیر فقرا می‌گوید. «نیما کسی بود که توانست عوامل دوگانه محتوا، ابعاد حسی و عاطفی و فکری و ذهنی مفهوم را به یکجا جمع آورد و شعری عرضه کند که هر سطر آن موقعیت حسی و فکر و ذهنی او را نشان دهد» (براهنی،۷۱۷:۱۳۸۰). شعر خانواده سرباز با این بند نمادین و توضیح شاعر این‌گونه آغاز می‌شود:

به خواهر کوچکم ناکتا «در زمان امپراطوری نیکلای روس و سربازهای گرسنه قفقاز»

شمع می‌سوزد، بردم پرده / تاکنون این زن خواب ناکرده
تکیه داده است او روی گهواره، آه بیچاره آه بیچاره!
وصله چندی است پرده خانه‌اش/ حافظ لانه‌اش
مونس این زن هست او/ دخمه تنگی است خوابگاه او!

(یوشیج،،۱۳۸۵:۶۶)

دربند اول نمادهای شمع، گهواره، پرده، دیده می‌شود. «شمع روشن مانند لامپ، نمادی از نور منفرد و درنتیجه زندگی یک فرد در مقابل زندگی کیهانی و جهانی است» (Cirlot,2020:216). «شمع نماد نور است، فتیله آن‌ها موم را ذوب می‌کند و بنابراین موم در شعله، نماد جسم و روح شریک است»(chevalier,1996: 401). در ادبیات عرفانی ایران شمع نماد معشوق و محبوب تصور شده است. در شعر نیما می‌تواند نماد فردیت شاعر در برابر تاریکی دنیای مادی است تا با استعانت از آن بر تاریکی فائق آید.

گهواره: گهواره به دلیل ماهیت نگهداری از نوزاد می‌تواند نماد محافظت و همراهی باشد. «گهواره چه از تنه درخت به سبک روم باستان تراشیده شده باشد، چه یک سبد حصیری ساده، نمادی از سینه مادر و مکمل آن است»(chevalier,1996:635). در شعر خانواده سرباز گهواره کودک با بیداری مادر همسو گشته، لذا می‌تواند برای مخاطب بیداری و رنج از بی‌خوابی را یادآوری کند. پرده: «نماد پرده به خرقه‌ها یا حجاب‌ها یا حتی عناصر لباس و زینت مربوط می‌شود، عمل جدا کردن پرده‌ها، پاره کردن حجاب یا لباس، کندن قاب‌ها، شنل‌ها یا دستبندها نشان‌دهنده حرکت به سمت یک آرکانوم یا نفوذ یک رمز و راز است»(Cirlot,2020:309). پرده دراین شعر حالتی از یک محافظ دارد که رنج زن را پنهان می‌کند، به عبارتی یاری‌گر زن است تا او فقر او را از چشم دیگران پنهان کند. «لارکین معمولاً احساس ارتباط با محیط اطراف خود را با عبارات عالی یا حتی نیمه عرفانی ابراز می‌کند»(Motion,2019:31).

شعله‌های شمع نازک می‌سوزند، سپس شعله‌ور می‌شود
پیش‌خدمت ما با گرسنگی کنده‌ها را انباشته می‌کند.
و پشت پرده قرار می‌دهد،
سریع‌تر از فرورفتن به قعر باتلاق‌ها
و آن انگلستان خواهد رفت،
سایه‌ها، چمنزارها، کوچه‌ها،
انجمن‌های صنفی، گروه‌های کر حک‌شده.
کتاب وجود خواهد داشت؛ ادامه خواهد داشت
در گالری‌ها؛ اما همه‌چیز باقی می‌ماند
برای ما بتن و لاستیک خواهد بود

The candle flames grow thin, then broaden:
Our butler Starveling piles the logs
And sets behind the screen
Quicker than going to the bogs
nd that will be England gone,
The shadows, the meadows, the lanes,
The guildhalls, the carved choirs.
There’ll be books; it will linger on
In galleries; but all that remains
For us will be concrete and tyres.

(Larkin,2007: 17-18).

شمع در شعر لارکین می‌تواند نشان فردیت شاعر در برابر هجمه‌ای از تباهی انگلستان باشد. لارکین شاعری بود که ازنظر خود شاهد از بین رفتن امپراتوری بزرگ بریتانیاست و آن را با فرورفتن در باتلاق نشان می‌دهد. شعر لارکین محدود به اجتماع و فرهنگ نیست، بلکه مفاهیم سیاسی را نیز در برمی‌گیرد. پرده در شعر لارکین به مانند شعر نیما نشانی از مانع و حجاب است. اما تفاوت این نماد با نماد پرده در شعر نیما میزان پوشانندگی آن است، این پرده در شعر لارکین پوشش یک جهان را دربرمی‌گیرد و در شعر نیما پرده، نماد یک فرهنگ شرقی است که زن را از هجمه شایعات در امان نگه دارد.

اندرین سرما که آب می‌بندد/ بر بساط فقر، مرگ می‌خندد
بخت می‌گرید، قلب می‌رنجد / این زن سرباز درد می‌سنجد

(یوشیج،66:1385)

نمادها: سرما/ مرگ /

نماد سرما: در شعر نیما نماد خفقان و تنهایی است. در شعر نیما زن ناامید و هراسان است و با درد فقر و تنهایی دست‌به‌گریبان است.

مرگ: «مرگ یکی از رایج‌ترین اصطلاحات برای انسان فانی است. آنچه خدایان را خدایان می‌سازد، جاودانگی آن‌هاست. مربوط به سرزمین مرگ از ویژگی‌های حماسی رایج از زمان اودیسه است. مرگ ممکن است گهگاه نماد چیز دیگری باشد، اما در اغلب موارد خود مرگ به‌صورت نمادین، معمولاً برای یک شخص، توصیف می‌شود»(cirlot,2020:133). مرگ حالتی طبیعی است که در شعر نیما مفهوم منحصربه‌فردی به خود گرفته است، مرگ یعنی نهایت رنج، تنهایی و ناامیدی.

در هنگام مرگ، از هم جدا می‌شوید: آن تکه‌ها شما بودید
/ برای همیشه از یکدیگر دور شدید
بدون اینکه کسی حقیقت را ببیند به فراموشی سپرده شدید
سرمای ضعیف، سایش و پارگی مداوم
از نفس گرفته‌شده، که زیر کوه انقراض خم‌شده‌اند!

At death, you break up: the bits that were you
Start speeding away from each other for ever
With no one to see. It’s only oblivion, true
lencompetent cold, the constant wear and tear
Of taken breath, and them crouching below
Extinction’s alp

(Larkin,1979:18).

سرما در شعر لارکین مفهوم پوچی و بی‌معنایی توصیف‌شده، لارکین شاعری بود که از زمانه خود راضی نبود. این نارضایتی در شعر او قابل ترسیم است. «مرگ در اشعار لارکین ممکن است فرایندی متفاوت از تحمل کردن باشد.. ولی باید گفت در شعر لارکین ترس از مرگ، از انقراض در انزوا تا حس درک متقابل گسترده را در ذهن مخاطب تداعی می‌کند. (Waterman,2017: 329).

بچه سرباز کاین چنین ژنده است
پس چرا زنده است/ شد از این فکرت فکر او مسدود
هر مفری شد تنگ و غم افزود
او به خود پیچید/ تنگنا شد باز

(یوشیج ۷۰)

نمادها: سرباز/ فکر

سرباز: این نماد در شعر نیما به‌مثابه کل یک اجتماع است. مفهوم سرباز در شعر نیما قشری از جامعه‌ای است که در زندگی بیشترین بار رنج را به دوش می‌کشند، چراکه هم در قبال وظیفه دفاع از کشور کار خطیری می‌کنند و هم در سنگر خانواده نیز نقش برجسته‌ای دارند. در این بخش از شعر نیما به فاصله طبقاتی حاکم در جامعه نیز اشاره دارد.

لارکین نیز شعری با محتوای سرباز در منظومه «پنجره مرتفع» داردکه این‌گونه آغاز می‌شود.

سال آینده قرار است سربازان را به خانه بیاوریم
به دلیل بی‌پولی، و همه‌چیز مرتب است!
مکان‌هایی که آن‌ها محافظت می‌کردند یا مرتب نگه می‌داشتند،
باید مراقب خود باشند و خود را منظم نگه‌دارند.
ما پول را برای خودمان در خانه می‌خواهیم
به‌جای کار کردن و همه‌چیز مرتب است.

Next year we are to bring the soldiers home
.For lack of money, and it is all right
,Places they guarded, or kept orderly
Must guard themselves, and keep themselves orderly.
We want the money for ourselves at home
Instead of working. And this is all right
(Larkin43)

تعهد لارکین به دنیا به قدری چشمگیر است که بتواند به‌راحتی یا اغلب اوقات به این نوع انتقادات دست یابد. درواقع او برای یادآوری مسئولیت‌ها، تصوری از آزادی را در شعر خود ایجاد کرده است. «اشعار لارکین دارای ویژگی‌های عمیقاً اخلاقی است که، به‌جای تسلیم شدن در برابر الگوی از پیش تعیین‌شده در زندگی، خواهان زندگی آزادانه در جهان است» (Motion102). تعلق‌خاطر لارکین به طبقه پایین جامعه و احساس وطن‌پرستی سبب شد تا اشعار بسیاری در مقوله وطن و اجتماع بگوید. «لارکین ازجمله شاعران ناامید، بدبین و انعطاف‌ناپذیری بود که بسیاری از داشته‌های اطرافش را انکار می‌کرد»(Ibid201) .

اشک در چشمش جمع شد، زد موج
فکر در این موج یافت قدری اوج / چون غریقی شد در کف دریا
مهلکه در پیش، راه نا پیدا

(یوشیج ۷۱).

نمادها: موج/ دریا

دریا: دریا نمادی از پویایی زندگی است. همه‌چیز از دریا می‌آید و همه‌چیز به آن بازمی‌گردد. محل تولد، دگرگونی و تولد دوباره است. «دریا با جزر و مد خود، نمادی از وضعیتی گذرا بین پتانسیل بی‌شکل و واقعیت صوری است، وضعیتی دوگانه از عدم قطعیت، شک و بلاتکلیفی که می‌تواند به‌خوبی یا بدی پایان یابد. ازاین‌رو دریا تصویری است هم‌زمان از مرگ و زندگی» (Chavelier2144). در شعر نیما دریا جهانی نامتناهی است که انسان در آن مغروق است. دراین شعر دریا نمادی از آشفتگی‌ها و مشکلاتی است که زن به آن دچار است و از آن رهایی نیست. «دریا نماد هرج‌ومرج و پل میان سرزمین‌های منظم، زندگی و مرگ، زمان و بی‌زمانی، تهدید و فریب، ملال و متعالی است»(Ferber402).

موج: نماد موج در شعر نیما نمادی از پویش و پشتکار است. «موج نماد پاکی است. در نمادهای چینی امواج به دلیل موج‌های ریتمیک خود یادآور اژدها هستند و به دلیل کف سفیدشان خلوص و پاکی را نشان می‌دهند»(Cirlot,2020:1091) . موج می‌تواند استعاره‌ای از یک هیجان و رنج ناشی از مسیر سخت زندگی باشد.

به سمت دیوار کم ارتفاعی قدم بگذارم که جدا می‌کند
جاده‌ای از پیاده‌روی بتنی بالای ساحل را،

چیزی را که مدت‌ها قبل شناخته شده بود، به وضوح به ارمغان
می‌آورد: شادی ظریفی در سواحل دریا!

To step over the low wall that divides
Road from concrete walk above the shore
Brings sharply back something
The miniature ;known long before
!gaiety of seasides

همه چیز در افق متراکم می‌شود،

ساحل شیب دار، آب آبی، حوله‌ها، کلاه حمام قرمز،

فروپاشی مجدد مکرر امواج کوچک خاموش، ماسه زرد گرم را بالا برد و دورتر، یک کشتی بخار در بعد از ظهر گیر کرده بود

Everything crowds under the low horizon,
Steep beach, blue water, towels, red bathing caps,
The small hushed waves' repeated fresh collapse,Up the warm yellow sand, and further off,A white steamer stuck in the afternoon

(Larkin,1979:5)

نمادها: دریا/ موج/ ساحل/کشتی

دریا و موج در شعر لارکین به‌مثابه آرزویی دست‌نیافتنی است که برای رسیدن به آن از موانع بزرگی گذر کند. دیوار در کنار دریا مفهوم جدایی از آرزوهای شاعر را به تصویر می‌کشد. کشتی که در میان دریا به‌طور استعاری در عصر گیرکرده همان خود شاعر است که در اندیشه‌ها دیروز خود غرق‌شده و در تنهایی مطلق و ناکام باقی‌مانده است. «کشتی‌ها ایده‌های قدرت و ایمنی را در خطرات سفر به ذهن متبادر می‌کنند و این نماد به همان اندازه که برای سفرهای دریایی کاربرد دارد، مانند ستاره‌ای است که به دور قطب خود، زمین، اما تحت کنترل انسان می‌چرخد. کشتی تصویری از زندگی است که در آن فرد باید هدفی را انتخاب و مسیری را طی کند»(Shevalier,1996:2238).

کی تو برگشتی از میان جنگ؟/ روی تو خون است یا که دود و رنگ
کو تفنگ تو؟ / کو قطار تو؟ کیست‌اند این‌ها کنار تو؟

(یوشیج،۱۳۸۵:۷۸)

نمادها: جنگ/ خون/ تفنگ/ قطار

جنگ: نماد آشفتگی و بی‌سامانی جهان است، معرکه‌ای است که انسان را آواره و تضعیف می‌کند. جنگ در شعر نیما نماد بی‌سروسامانی و ناامیدی است. «جنگ تصویری از بلای جهانی و پیروزی نیروی بی‌رحم را در ذهن مردم ایجاد کرده است، از دوران باستان تا دوران مدرن با افزایش بسیار زیاد ابزارهای خودویرانگری. و بااین‌حال دارای ویژگی‌های نمادین بسیار مهمی است»(Shevalier,1996:2750). در حالت ایده آل، اهداف جنگ، نابودی شر و بازگرداندن صلح، عدالت و هماهنگی است. «جنگ را می‌توان وسیله‌ای برای بازگرداندن نظم اولیه، یا نوعی «فداکاری» دانست که بازتاب فداکاری کیهانی است. دقیقاً همین امر در مورد سطح روانی نیز صدق می‌کند؛ انسان باید به دنبال دستیابی به وحدت درونی در اعمال خود، در افکار خود و همچنین بین اعمال و افکار خود باشد»(Cirlot,2020:1082). درواقع جنگ در شعر نیما مفهومی گسترده و جهان‌شمولی داردکه می‌تواند به پیکار نیروهای درونی انسان مربوط باشد تا بتواند از این میان به آگاهی و هدف غایی دست یابد.

خون: خون در شعر نیما نمادی از مرگ و پایان زندگی است. اما خون در معنای مجازی می‌تواند به معنای جان نیز تصور شود. «خون عنصر زندگی است و گاهی اوقات به‌عنوان اصل تولیدمثل گرفته می‌شود، خون به نفس و روح نیز مرتبط است»(Shevalier,1996:3020).

تفنگ: نماد تفنگ یا اسلحه به معنای ابزاری برای مرگ است، اما در شعر نیما گویی دوست و همراهی است که از سرباز دورافتاده، تفنگ برای زن عامل نجات بوده و دیگر در دستان سرباز نیست. «دوگانگی سلاح‌ها این است که ممکن است به‌طور هم‌زمان نماد

ابزار عدالت و ظلم، دفاع و تسخیر باشند. بااین‌حال، در هر شرایطی، سلاح‌ها بیان فیزیکی اراده را برای یک هدف معین ارائه می‌دهند»(Ibid2784).

قطار: نماد قطار مسیری است که انسان را به یک هدف هدایت می‌کند، می‌تواند به‌مثابه قطار زندگی نیز تعبیر شود. «قطارها، به دلیل قدرت، تجمل نشانه‌هایی هستند که پتانسیل حاصل از کار پنهان توسعه را به‌طور مؤثر به کار می‌برند، اما خودآگاه هنوز از آن بی‌خبر است یا در غیر این صورت این‌ها تصاویر رؤیایی از عناصر مادی، روانی یا معنوی هستند که توسط یک خودآگاه خود تحقیرکننده فاقد اعتمادبه‌نفس و دست‌کم گرفتن عنصر وجودی نادیده گرفته‌شده است»(Ibid:2615). در شعر نیما قطار راه گمشده سرباز است که برای زن نیز همین مفهوم را تبیین می‌کند.

می‌خواست که تمام شود /برای مراسم تدفین تعجیل کرد،
و به عقب نگاه کرد / مثل جنگ‌ها و زمستان‌ها
گم‌شده در پشت پنجره‌ها / از دوران کودکی مبهم،
و صفحات خالی؟ / آیا زمانی باید پر شوند
بگذارید تا شاهد آن باشیم

wanted them over / Hurried to burial
And looked back on / Like the wars and winters / Missing behind the windows
Of an opaque childhood /
And the empty pages / Should they ever be filled /Let it be with observed
(Larkin,1979:19)

نمادها: جنگ/ زمستان/ پنجره

جنگ: در شعر لارکین نشانه‌ای از جنگ جهانی دوم است که در رمان «دختری در زمستان» لارکین نیز به آن پرداخته‌شده است. جنگ برای لارکین مفهوم جدایی و انزواست. لارکین دررمان «جیل» نیز به مفهوم جنگ به‌عنوان عاملی ویرانگر نگاه کرده است. لارکین شاهد حوادث جنگ، ناکامی مردم، حضور مهاجران در انگلستان بوده است، لذا تمامی این روزهای تلخ در شعرش منعکس‌شده است. «زندگی کاری لارکین در زمان جنگ تداوم نداشت و مجبور بود تا برای یافتن شغلی مناسب به شهرهای مختلف نقل‌مکان کند» (Motion,2019:37).

زمستان: زمستان در شعر لارکین نماد ناامیدی، تنهایی، جدایی و ناکامی است. او ازجمله شاعرانی بود که در شعرش فضای سردی از مفاهیم حاکم است. «زمستان نماد پیری و فرتوتی است، این نماد آخرین فصل از چهارفصل زندگی بشر است»(Fereber,2007:531). «لارکین شاعری است که به‌جای انرژی کلامی یا تخیل شاعرانه تلاش می‌کند تا برخی از تجربه‌های خصوصی شادی و غم و رهایی یا برخی تصاویر مکرر از خلوص و سرزندگی در طبیعت را در برابر کسل‌کننده بودن وجود عادی و غالب زندگی قرار دهد»(Motion,2019:50). لارکین همان‌طور که فضای سرد انگلستان را ترسیم می‌کند در شعر خود از تقابل‌های عناصر طبیعت و جمع اضداد نیز بهره می‌برد.

پنجره: این نماد در شعر لارکین به‌مثابه مفری است که می‌تواند شاعر را از تنهایی برهاند و به آگاهی نزدیک کند. دیدن منظره از پنجره و جایی که کودکی‌اش پشت آن گم‌شده، نشان‌دهنده این است که شاعر در جست‌وجوی معصومیتی است که در برهوت انسانیت آن را ازدست‌داده است. «لارکین با محو کردن دوران کودکی خود استقلال خود را در بزرگ‌سالی ابراز کرده است»(Motion,2019:33). «ازآنجایی‌که پنجره از یک دیافراگم تشکیل‌شده است، پنجره ایده‌های نفوذ، امکان و فاصله را بیان می‌کند و به دلیل مربع شکل بودن، مفاهیم آن منطقی و زمینی است. همچنین نمادی از آگاهی است»(Cirlot,2020:1110) .

زن! ببین شب را که چه تاریک است/ پیش من یکسان ترک و تاجیک است
شد سحر نزدیک راه من دور است / کار من بسیار/ چشم من کور است. (یوشیج،۱۳۸۵:۸۱)

نمادها: شب / سحر / چشم

شب: در شعر نیما مفاهیم گسترده‌ای دارد می‌تواند نمادی از بیداری، آگاهی، خفقان و مقاومت باشد. «شب در شعر نیما محوری‌ترین و پربسامدترین تصویر است؛ چنانکه او را شاعر شب نامیده‌اند. شب شاعر یوش نماد یک وضعیت روحی–اجتماعی است» (فتوحی ۲۰۲). «شب نماد بازگشت به حالت عدم تعین و آمیختگی با کابوس‌ها، هیولاها و افکار سیاه است. شب تصویر ناخودآگاه است و در تاریکی خواب، ناخودآگاه آزاد می‌شود. مانند همه نمادها، شب جنبه دوگانه‌ای را به نمایش می‌گذارد؛ وجهی از دنیای سایه‌دار اندیشیدن و وجهی از مقدمه‌ای برای روشنایی روز که نور زندگی را توصیف می‌کند»(Chavelier,1996:1803) . شب در شعر نیما می‌تواند نماد حالت محرومیت از هرگونه دلیل و پشتوانه روانی در زندگی اجتماعی باشد. «شب به اصل منفعل، مؤنث و ناخودآگاه مربوط می‌شود. یونانیان معتقد بودند که شب و تاریکی مقدم بر خلقت همه‌چیز است. ازاین‌رو، شب مانند آب بیانگر باروری، توانایی و جوانه‌زنی است. زیرا این‌یک حالت انتظارگونه است، ازاین‌جهت که، هرچند هنوز روز نیست، نوید روشنایی روز است. در سنت نمادشناسی، همان اهمیت مرگ و رنگ سیاه را دارد»(Cirlot,2020:718).

سحر: سحر و سپیده‌دم نمادی از آغاز و راهی است که برای شاعر بی‌انتهاست. سحر می‌تواند نماد مقاومت و نور آگاهی نیز در نظر گرفته شود. «معنای نمادین سپیده‌دم معادل همه آغازها، بیداری‌ها یا روشنایی‌هاست»(Ibid:318). «سحر نماد شادی بیداری برای یک روز تازه است. سحر برای همیشه جوان است، هرگز پیر نمی‌شود، هرگز نمی‌میرد، او سرنوشت خود را دنبال می‌کند و نسلی را می‌بیند که موفق می‌شود. او هرروز صبح آنجاست، نمادی از انرژی بی‌نهایت و نشانه‌ای از وعده بی‌نهایت است. سحر جهان را از نو آغاز می‌کند و آزادانه آن را به ما عرضه می‌کند و نماد نور، نوید چشمه امید است»(Chavelier,1996:724). سحر در این شعر درعین‌حال که نوید نور و آگاهی است، اما از یک ترس و دلهره نیز سخن می‌گوید که زن را برای راهی دشوار آگاه می‌سازد.

چشم: چشم نماد نگرش و آگاهی در شعر نیماست؛ چشم من کور است یعنی دیدگاه من به جهان تاریک و بسته است. درواقع چشم مجاز از شاعری است که خود را از دیدن زشتی‌های جهان ناتوان می‌بیند. «چشم نمادی است که مظهر و جایگزین همه حس‌های دیگر است. از بین تمام اندام‌های حسی، بینایی تنها حسی است که به ادراک اجازه می‌دهد در ماهیت وجودی هر چیزی شریک شود. تصویری که چشم می‌بیند واقعی است»(Ibid:958). برجسته‌ترین و گویاترین ویژگی‌های صورت و نیز اندام‌های بینایی، چشم‌ها در ادبیات بیشتر از سایر اعضای بدن ظاهر می‌شوند. ظواهر آن‌ها غالباً تحت‌اللفظی است؛ مثلاً در چشمان آن‌ها به معنای دیدن آن‌ها است، به‌ویژه در شعر عاشقانه، جایی که قرن‌ها این قرارداد حاکم بود که عشق از چشمان عاشق وارد می‌شود، اغلب به‌طور استعاری، چشمان معشوق به‌مثابه یک تیر کشنده توصیف می‌شود ((Ferber,2007:169.

در سحر، برای بیدار شدن، و شنیدن صدای خروس از دور گریستن	In Dawn, To wake, and hear a cock Out of the distance crying
برای عقب کشیدن پرده‌ها و دیدن پرواز ابرها	To pull the curtains back And see the clouds flying
چقدر عجیب است که این دل بی عشق به سردی همین‌ها باشد	How strange it is For the heart to be loveless, and as cold as these.
برای نوشیدن باد، بدون هیچ نگاهی	To drink of the wind, Nor any eyes
برای زل زدن به ستاره‌ها و یافتن بهشتی عظیم	To sharpen on the stars Wide heaven-holding
تنها صدای از درختانی با تنه‌ای ضخیم	Only the sound, Long sibilant-muscled trees

صنوبرهای سیاه در حال بلند شدن بودند.
و در تنهایی سوزانشان
ستارگان شبانه در محفل خود آواز خواندند و در آن میان نور را می‌دمیدند!

Were lifting up, the black poplars.
And in their blazing solitude
The stars sang in their sockets through the night,Blow bright, blow bright
(Larkin,1979:27).

نمادها: شب/ سحر/ چشم/ ستاره

شب: در شعر لارکین به معنای زمانی گذراست که با نور آگاهی تلفیق‌شده و ستاره همان آگاهی شاعر است که در دل شب می‌درخشد.

ستاره: «نماد ستاره نماد جستجوی دانش بیرونی است، هنگامی‌که بالا می‌رود، و برای دانش باطنی، زمانی که پایین می‌رود. بهترین ویژگی ستاره درخشندگی آن و منبع نور بودن آن است»(Chevalier,1996:1370). «ستاره به‌عنوان نوری که در تاریکی می‌درخشد، نماد روح است. بااین‌حال، باید گرفت ستاره به‌ندرت دارای یک معنای واحد است و تقریباً همیشه به کثرت اشاره دارد. در این صورت به معنای نیروهای روح است که با نیروهای تاریکی می‌جنگند. این معنایی است که در سراسر جهان در هنر نمادین گنجانده‌شده است»(Cirlot,2020:946). ستاره در شعر لارکین معنای خوشایندی از شادی و کشف وشهود معنوی دارد. درخشش ستاره در شب که آواز می‌خواند نشانه‌ای از روح آزاد شاعر است که خود را در میان شب پنهان کرده است.

سحر: سپیده‌دم و سحر همانند شعر نیما نمادی از روشنی و آگاهی شاعر است که در میان انبوهی از تاریکی جنگ و پیامدهای آن روزنه امیدی را به مخاطب نشان می‌دهد.

صبح گردیده است، آب یخ‌بسته است
در همه قریه برف بنشسته است
برسر کهسار آفتاب صبح
تاج بنهاده است بر نقاب صبح / دود مطبخ‌ها می‌دود بالا

(یوشیج،۱۳۸۵:۹۶)

نمادها: آب/ آفتاب

آب: آب در شعر نیما نمادی است با بسامد فراوان، به معنای شفافیت، معرفت، جست‌وجو و آینه‌ای از جهان است. در این شعر آبی که یخ‌زده نشان از شعور و آگاهی شاعر است که در گیرودار رنج‌های بشریت، سردرگم است. «آب نماد زندگی است،. از نمادهای باستانی آب به‌عنوان سرچشمه باروری زمین و ساکنان آن، می‌توان به نمادهای روانکاوانه آب به‌عنوان منبع باروری روح اشاره کرد که رودخانه‌ها، نهرها و دریاها برای سیر وجودی انسان نیز نمودی از نماد آب محسوب می‌شوند (Chevalier,1996:2778).

آفتاب: نماد خورشید نشانی از آگاهی صرف و نور مطلق معرفت و شناخت اجتماعی برای شاعر است. این آفتاب نشان بیداری اجتماعی و فرهنگی شاعر است که با طلوع خود نوید بیداری را به مخاطب می‌دهد. «خورشید منبع نور، گرما و حیات است و پرتوهای آن نمایانگر تأثیرات آسمانی یا معنوی است که زمین دریافت می‌کند. آفتاب به‌صورت نمادین و به‌صورت متناوب خطوط مستقیم و مواج را در جهان می‌پراکند» (Ibid:2416). «خورشید آنچنان پدیده‌ای غافلگیرکننده و برای زندگی زمینی مؤثر است که معانی آن در اساطیر و ادبیات بیش از آن است که بتوان آن را به‌حساب آورد. خورشید نه‌تنها چشمگیرترین چیزی است که می‌توان دید، بلکه خود عامل بینایی است. برخی استدلال کرده‌اند که نور و دیدن، ریشه همه نمادگرایی‌هاست» (Ferber,2007:471:).

در ظهر، یک لرزش آمد. گاوها

At noon, there came a tremor; cows

برای یک ثانیه جویدن را متوقف کردند.
آفتاب، روسری مانند در مه گرما کم‌نور شد.

Stopped chewing for a second; sun,
.Scarfed as in a heat-haze, dimmed

مرده‌ها پیش از ما می‌روند، آن‌ها
با آسایش در خانه خدا نشسته‌اند،
سرانجام آن‌ها را رودررو خواهیم دید

The dead go on before us, they
,Are sitting in God’s house in comfort
We shall see them face to face
(larkin,1979:68)

آفتاب: در شعر لارکین نیز همانند شعر نیما مفهومی گسترده از آگاهی، بیداری و معرفت وجودی دارد. اما وقتی از کم‌نور شدن آفتاب می‌گوید به لحظه‌ای اشاره می‌کند که شرایط نامساعد جنگ و معیشت مردم این نور را کمرنگ کرده و به فراموشی سپرده است.

۳. نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی‌های انجام‌شده در دایره نمادها و همچنین کاربرد آن در چندین منبع، باید گفت که اشعار نیما و لارکین هر دو از اشعار نمادینی محسوب می‌شوند که درد و رنج بشریت را به تصویر کشیده‌اند، زبان نیما زبانی گویا و تلخ از حوادث جامعه است و زبان لارکین با کلیت‌گویی بیشتری به این نمادها پرداخته است. لارکین رویکرد شعرهایش را با گلایه‌هایی احاطه کرده است که تمامی فضای شعری‌اش را در قالب یک تصویر گلایه‌آمیز به مخاطب نشان می‌دهد. درواقع هدف اصلی او از نوشتن آثارش توجه به عناصر تشریحی، مستند، تجربی و عقلانی در شعرش بوده است. او به‌طور مکرر از محیط اطراف خود می‌گوید، یا با معرفی یک عنصر عجیب‌وغریب و به‌ظاهر نامرتبط، گفتمان کاملاً عقلانی را می‌شکند و در متن خود اشیاء را کنار یکدیگر قرار داده و تصویری بکر می‌سازد. عناصری که با دیدگاه منتقدانه وی تلفیق‌شده و یک فضای نمادین اجتماعی و فرهنگی را خلق می‌کند. نیما نیز در اشعار خود با ترکیب تصویر و محتوا فضایی خاکستری از زمانه خود را به وجود می‌آورد که با استعانت از نمادهای طبیعت و اشیاء زبان منتقدانه خود را تقویت می‌کند. در مقایسه این دو اثر باید گفت زبان نیما تأثیرگذارتر، تصویر رنجی که با شعر تلفیق کرده است نیز بسیار گویاتر و زبانش تیزتر از لارکین است. این پدیده می‌تواند به علت نزدیک بودن نیما به بطن جامعه و ارتباط عمیق‌تر وی با مردم باشد. زیرا لارکین شاعر منزوی و مردم‌گریزی بود که در بسیاری از مواقع در حال نقل‌مکان از شهری به شهری دیگر بود. تصاویری که هر دو شاعر از عناصر طبیعت در شعر خود آورده‌اند ازنظر مفاهیم و برداشت مخاطب بسیار به هم نزدیک هستند، اما تصاویر نیما با ارتباط بیشتری با مفهوم ترکیب‌شده، از سویی زبان لارکین فلسفی‌تر و کلی‌تر از نیماست.

منابع:

۱_ براهنی، رضا (۱۳۸۰). ***طلا در مس***. چاپ اول. ج دوم. تهران. زریاب.

۲_ سلطانی فرگی، مرتضی (۱۳۸۸). ***«بررسی شعر اعتراض در ادبیات معاصر پارسی از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۱»***. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه سبزوار.

۳_ شمیسا، سیروس (۱۴۰۱). ***مکتب‌های ادبی***. چاپ پانزدهم. تهران. قطره.

۴_ فتوحی، محمود (۱۳۹۳). ***بلاغت تصویر***. چاپ سوم. تهران. سخن.

۵_ هارلند، ریچارد (۱۳۹۳). ***درآمدی تاریخی بر نظریه ادبی از افلاتون تا بارت***.، ترجمه علی معصومی و شاپور جورکش. چاپ چهام. تهران: چشمه.

۶_ یوشیج، نیما (۱۳۸۵)، ***درباره هنر شعر و شاعری***. به کوشش سیروس طاهباز. چاپ اول. تهران. نگاه.

۷_ --------(۱۳۶۸). ***دیوان اشعار نیما یوشیج***. به کوشش ابوالقاسم جنتی عطایی. چاپ پنجم. تهران. صفی علیشاه.

References

1_ Cirlot, Juan Eduardo, (2020) *A Dictionary of Symbols*, UBLISHED BY THE NEW YORK REVIEW OF BOOKS,435 Hudson Street, New York, NY 10014.

2_ Chadwick, Cahrles (2017), *Symbolism*, This edition first published,by Routledge 2 Park Square, Milton Park, Abingdon, Oxon OX14 4RN.

3_ Chevalier, Jean, Alain Gheerbrant,, (1996) *The Penguin Dictionary of Symbols*,south Boston,SeCon Edition.

4_ Ferber, Michael, (2007), *A Dictionary of Literary Symbols*, second edition, Cambridge University Press, The Edinburgh Building, Cambridge CB2 8RU, UK.

5_ Firth,Raymond, (2011*),Symbols, public and privat*e, This edition first published in 2011 by Routledge ,2 Park Square, Milton Park, Abingdon, Oxon, OX 14 4RN.

6_ Larkin,Philip, (1979), *High Windows*,Faber Paperbacks, Cambridge CB2 8RU, UK.Motion.Andrew (2019), *Philip Larkin*, Digitized by the Internet Archive with funding from Kahle/Austin Foundation.

7_ Tumane, M, (2005), *Symbolism in the poetry of S.M. Burns*-Ncamashe.

8_ Waterman, Rory, (2014),*Causley, Charles_ Larkin, Philip_ Thomas, Ronald Stuart_ _ Larkin, Philip_ Thomas, Ronald Stuart_ Causley, Charles* - Belonging and Estrangement in the Poetry of Philip Larkin, R. S. Thom, ublished by Ashgate Publishing Limited,Wey Court East. Union Road,Farnham,Surrey, GU9 7PT,England.